



با افتخار بچه هیأتی هستم و نوکری امام حسین (ع) را کردم. حداقل
دستمان سر سفره ناکس نرفته که بزنند پشت دستمان و به خاطر لقمه ساکت
شویم. در همین برنامه «نوروزترین نوروز» تا جایی که می توانستم، حرفم را زدم.
گفتم یک میلیون تومان به مردم دادید، از همان ۴۵ هزار تومان پس گرفتید.

گلایه های رضا صادقی از قضاوت

برای واکسن مهاجر

رضا صادقی چه در فضای مجازی و چه در گفت وگوها و حضورهای رسانه ای نشان داده به جز موسیقی و خوانندگی، دغدغه های اجتماعی هم دارد و برای زدن حرف هایش در این موضوعات اهل ملاحظه نیست. او درد دل هایش را با مشکلاتی که کرونا برای هنرمندان ایجاد کرده، آغاز می کند. «کدام صنف را در مملکت ما سراغ دارید که یک سال و اندی بیکار است، ولی دارد زندگی می کند؟ اهل موسیقی و اهل هنر چنین شرایطی دارند. تا حرف بزنیم، می گویند شما که مرفه بی درد هستید، به حکم آن ماشینی که سوار هستیم. حرف نزنیم، می گویند ببین حالش خوب است که حرف نمی زند. یک وقت هایی خارج از کشور کنسرت می گذارم، یک عده اندکی می گویند این مزدور است. می آییم اینجا، می گویند سلبریتی بی درد و... من نمی دانم کجا باید برویم که شأنت پیدا کنیم.» (خنده)

صادقی می گوید از سال ۷۵ روی صحنه است و ۲۵ سال از اولین فعالیت رسمی اش در موسیقی می گذرد. «امروز ۴۱ ساله هستم، یعنی بیش از نیمی از عمرم را گذاشته ام پای کاری که بدم اما حالا بیش از یک سال است که در خانه نشسته ام، چون کار دیگری بلد نیستم. چه دردی بالاتر از این؟ ابتدای شیوع کرونا قطعه «یه چیزی میشه دیگه» را منتشر کردم و گفتم «بجنگ واسه لبخندی که این روزا کمه»، اما یک عده این را نشنیدند، گفتند ببین نشسته در یک ماشین خوب، یک گوشی اپل هم جلوی پیش است، چرا نگویند یه چیزی میشه دیگه؟

وقت شناسی در نقد اجتماع

با افتخار بچه هیأتی هستم و



رضا صادقی می گوید یکی از هنرمندانی است که همیشه زیاد نقد اجتماعی می کند اما مدتی است که این کار را کنار گذاشته است. «از من پرسیدند چرا تغییر روش دادم، گفتم به خاطر این که آن قدر درد در چشم مردم می بینم که الان گفتن من فقط نمک روی زخم است. من چرا نمک روی زخم باشم؟ حداقل الان وقت نمک شدن نیست. یک عده نمی دانم با چه مقصود و دلیلی نمک روی زخم شده اند. اگر خیلی نگران بچه های شمس آباد هستی، برو به آنها کمک کن. کسی نکفت برایشان دبلکس بساز، در حد معمول کمک کن. دوستانی دارم که راضی نیستند اسم شان را بگویم، هفته ای دو سه روز در حد ۳۰۰-۴۰۰ پارس غذا جمع می کنند و به اطراف تهران می برند. اگر حال کسی را بد می بینی، خوبش کن. اگر نمی توانی، بالای گود نشین و بگو لنگش کن.» این خواننده و آهنگساز

سردبیر برنامه، فرزانه پزشکی و صادقی در حال نهایی کردن سؤالات



❖ **ابتدای سال گذشته، تک آهنگ «یه چیزی میشه دیگه» مورد**

استقبال مردم واقع شد، امسال هم چنین شگفتانه ای دارید؟
ان شاء... البته امیدوارم امسال به جایی برسیم که ماجرای کرونا کمی سبک تر شود، هر چند با توجه به سفرهای نوروزی به نظر نمی آید این اتفاق بیفتد. اما حتما به تولید چنین قطعاتی فکر می کنم و تمام ذهنیتم این است که چه کاری از دستم بر می آید. روزهای اولی که کرونا وارد ایران شده بود، خیلی فضای ملتهب و شلوغی بود. دخترم تیارا گفت بابا یعنی همه ما می میریم؟ آن روز احساس کردم که الان من باید بلند شوم و کاری کنم. به خودم گفتم رضا تا حالا هر چه خواندی دمت گرم، بگذار کنار. الان بسم...، هر کاری بلدی بکن که این بچه ها این حس را نداشته باشند که باید زندگی کنیم و برای زندگی بجنگیم. من بهترین دوستم را در سال ۹۹ از دست دادم، ولی رفتن علی انصاریان به من زندگی بیشتر یاد داد. به علی حسودی ام شد؛ این که تواز دنیا بروی و مردم از تو خنده به یاد داشته باشند، اتفاق ویژه ای است. از هیچ چیز دیگری از تو نگویند، از فوتبال، سینما و... نگویند، فقط بگویند می خندید. این به نظرم درس زندگی است که خدا می خواست به خیلی هایمان یاد بدهد. برای لبخند مردم تلاشم را می کنم، مثل شروع امسال و اجرای تلویزیونی که با قلبم گفتم حتی اگر مردم چند ثانیه با دیدن من لبخند روی لبشان بیاید، به دیده منت هستم. در سال ۱۴۰۰ هم تمام سعی ام را می کنم و همه حرف ها را به جان می خرم تا مردم آرامش داشته باشند. چون بچه های خودم کنار همین مردم زندگی می کنند و امیدوارم که توانایی این کار را داشته باشم. از دوستانی که باعث شدند شروع امسال را چند روز در کنار مردم باشم، تشکر می کنم.

❖ **چیز دیگری هست که بخواهید درباره آن صحبت کنید؟**

مردم این روزها هر مدلی که بخواهید به رسانه دسترسی دارند. اینترنت، شبکه های اجتماعی و... در اختیارشان است اما من امیدوارم تلویزیون در این دوره کمی به مردم نزدیک تر از قبل شود. در این روزهای سخت همه مشغول تلاش هستند، در هنر تصویر و برای ساخت همین برنامه ها چند نفر بر اثر کرونا فوت کردند؟ یک مقدار در سال ۱۴۰۰ توجه بیشتری داشته باشند تا وقتی یک پدر خسته، مستأصل و خدایی ناکرده ناامید به خانه می آید و در اندیشه فرداست، وقتی تلویزیون را روشن می کند حس بدی بهش دست ندهد. منظورم این است که در انتخاب جزئیات مثل بعضی کارشناس ها دقت کنند. حداقلش این است که کارشناسی که می آید، خودش هم میوه و گوشت و مرغ نخورده باشد و بعد به من بگوید نخور. این تلویزیون متعلق به یک ملت است و خوب نیست که چیزی که مال خودمان است، به سوژه تبدیل شود. مثل این است که برادر یا خواهر آدم سوژه خنده فامیل شود. امیدوارم همه چیز خوب پیش برود و امسال هم کرونا کمتر شود و خدا کمک کند سخت تر از این نشود.

ادامه از صفحه ۳

❖ **شنیدیم که صندلی اجرای شما راحت نبوده، اما آن قدر تجربه حضور در برنامه را دوست داشته اید که گفتید حتی دلم برای کمردرد نشستن روی این صندلی هم تنگ می شود.**

(خنده) از همان روز اول این صندلی اذیتم می کرد و روی آن کمردرد عجیبی داشتم، ولی می دیدم همه بچه ها آن قدر درگیر هستند که دیگر دلم نیامد بگویم صندلی را عوض کنید. آخر هم دیدم خوب شد نگفتم و حتی دلم برای کمردرد روزهای اجرای برنامه تنگ شد.

❖ **بخش های مختلف برنامه را چطور ارزیابی می کنید؟ اتفاقات تازه ای مانند اجرای گروه کرو...؟**

حضور گروه کر بسیار عالی و یک اتفاق شیرین و دلچسب بود و از همه بچه ها تشکر می کنم. مدیریت شبکه پنج هم هوشمندانه برای اولین بار فضای حضور گروه کر متشکل از خانم ها و آقایان را فراهم کرد تا این بچه ها دیده شوند. خیلی این اتفاق را دوست داشتم و از آن مهم تر، بودنشان کنار صحنه جذاب بود و به من دلگرمی می داد، چون همه جوان و با انرژی بودند و از صحبت کردن با آنها حظ بردم.

❖ **این تجربه برایتان چه تفاوتی با کارهای هنری پیش از این داشت؟**

ما کارهای تصویری مانند کلیپ و... انجام داده ایم، ولی خب زمانش خیلی محدودتر است. در این برنامه به عینه می دیدم تصویربردار، صدابردار، نورپرداز و... زانویشان دیگر یاری ایستادن نمی کرد. و من شرمند بودم، به خودم می گفتم بیخیال، الان روی مبل نشستی، می خواهی بگویی کمردرد می کند؟ (خنده) بنشین حرف زن، ببین اینها دارند چه کار می کنند. دم تک تکشان گرم.

❖ **به تازگی آلبوم «حواست به من باشه» را منتشر کرده اید که ظاهرا پرفروش ترین آلبوم سال شده است.**

بله خدا منت سرم گذاشت که تا قبل از پایان سال ۱۳۹۹ این آلبوم را منتشر کردم. البته تصمیم نداشتم فعلا آن را منتشر کنم و حدود دو سال داشتم روی آن کار می کردم. فکر می کردم الان زمان انتشارش نیست، اما یکی از دوستانم گفت چرا فکر می کنی الان زمانش نیست؟ اتفاقا الان وقتی است که مردم بنشینند و فارغ از این که ریتم های تند بشنوند، کمی احساساتی و متقلب شوند. خدا را شکر تیم خوبی همراهم بود و به عنوان پرفروش ترین آلبوم سال معرفی شد که برایم اتفاق بسیار دلچسبی بود. ولی در کل به نظرم هر صدایی از جهان اگر در آن عشق نباشد، فقط سر و صداست. در برنامه «نوروزترین نوروز» هم همین اتفاق افتاد و آدم های با عشقی در این برنامه بودند که هر صدا و تصویری از آنها منتشر شد، چون عشق داشت، دیده شد. اگر غیر از این بود، حتی اگر معلق هم می زدم، کسی نگاه نمی کرد. (خنده)